



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۶/۲۸

شريف منصور

مختصری درباره فرقه اسماعیلیه

(قسمت اول)

فرقه اسماعیلیه (که آن را به نام فرقه باطنیه* هم می‌شناسند) یکی از فرقه های متعدد اسلام (شاخه تشیع) است که زمان به وجود آمدن آن مترادف است با شهادت حضرت جعفر صادق (رض). حضرت جعفر یکی از نوادگان پیامبر اسلام (ص) و امام ششم شیعیان بود. وی پسر ارشد خود اسماعیل را به عنوان جانشین خود تعیین کرده بود [۱] اما اسماعیل در زمان حیات پدر درگذشت. [۲] مدتی بعد حضرت صادق در مدینه توسط منصور دوانیقی خلیفه عباسی مسموم شد و به شهادت رسید. پس از شهادت حضرت جعفر پیروان او به چندین دسته تقسیم شدند. گروهی از آنها امامت حضرت موسی کاظم پسر دیگر حضرت صادق را پذیرفتند و با او بیعت کردند. اما گروه دیگر که اسماعیلیان خالصه نامیده می شوند مرگ اسماعیل را نپذیرفتند و معتقد بودند که حضرت جعفر به منظور محافظت از اسماعیل شایعه مرگ او را پخش کرده بود و اسماعیل زنده است و پس از مرگ پدر به امامت رسیده است. این گروه اسماعیل را امام زمان و قائم آل محمد میدانستند [۳] گروه دیگری از هواداران اسماعیل، مرگ اسماعیل در زمان حیات پدر را پذیرفتند و مدعی شدند که امامت پس از اسماعیل به پسر او محمد بن اسماعیل رسیده است و برادر او مستحق امامت نیست و اینکه حضرت حسین (رض) پس از برادر بزرگترش حضرت حسن (ع) به امامت رسید استثنایی بود و دیگر امامت از برادر به برادر منتقل نمی شود از آنجا که یکی از سران مهم این گروه مردی بود به نام مبارک (برده اسماعیل بن جعفر صادق) این گروه مبارکیه نامیده شدند. [۴] یک گروه دیگر هم عقاید گروه مبارکیه را پذیرفتند به نام خطابییه که پیروان مردی به نام ابوالخطاب محمد بن زینب اسدی بودند و او را پیامبر خود میدانستند. ابوالخطاب یکی از پیروان حضرت صادق به شمار می رفت [۵] ابوالخطاب و پیروانش بر علیه فرماندار کوفه، عیسی بن موسی شورشی به راه انداختند ولی شکست خوردند و اکثر شان کشته شدند. خود ابوالخطاب و جمعی از پیروانش هم دستگیر شدند و آنها را به حضور عیسی بن موسی آوردند و به فرمان او همه آنها را کشتند.

گروهی از پیروان ابوالخطاب که زنده مانده بودند مرگ او را نپذیرفتند و گمان می کردند که او پیامبر بوده و فعلا غایب شده است. آنها با محمد پسر اسماعیل بیعت کردند. پس از مدتی مبارکیه دوباره دچار انشعاب شد و شاخه جدیدی به وجود آمد به نام قرمطیه. قرمطی ها که پیروان مردی به نام حمدان قرمط بودند و از همین رو قرمطیه نامیده می شدند مرگ ابوالخطاب را نپذیرفتند و گمان می کردند که او موقتا از دیدگان آنها غایب شده و می پنداشتند که روح حضرت جعفر صادق در ابوالخطاب حلول کرده بود و پس از آن اکنون در کالبد محمد بن اسماعیل حلول کرده است. پس از آنکه محمد بن اسماعیل وفات کرد قرمطی ها مرگ او را هم منکر شدند و میگفتند که او مهدی موعود است و اکنون در شهرهای روم زندگی میکند. [۶]

زمانی که علی بن محمد بن عبدالرحیم بصری مشهور به صاحب الزنج بر علیه خلافت عباسی شورش کرد حمدان قرمط به او پیشنهاد داد که با هم متحد شوند و در کنار هم بر علیه عباسیان بجنگند اما صاحب الزنج نپذیرفت [۷] و به تنهایی به جنگ با عباسیان پرداخت و آخر الامر شکست خورد و کشته شد. بعدها زکریویه بن مهروه یکی از سران مهم قرمطی ها بر علیه عباسیان شورید اما او هم به سرنوشت صاحب الزنج دچار شد. ابوسعید جنابی که یکی دیگر از داعیان/رهبران قرمطی ها بود قیامی را بر علیه عباسیان راه اندازی کرد و توانست بحرین را تصرف کند و سلسله جنابی را به وجود بیاورد. قرمطی ها اشخاصی تندرو بودند و ریختن خون دیگر مسلمانان را جایز می دانستند و آن ها قتل عام می کردند و دیگر دولت های اسلامی منجمله مخصوصا عباسیان و غزنویان هم همیشه در پی ریشه کن کردن قرمطی ها بودند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

در سال ۹۰۹ میلادی در شمال آفریقا عبیدالله المهدي خلافت فاطمی را بنیان گذاری کرد. بعدها فاطمی ها قلمروشان را توسعه دادند و توانستند بر سراسر شمال آفریقا مسلط شوند. مذهب رسمی فاطمی ها، مذهب اسماعیلیه بود و آنها نقش مهمی در تکامل تمدن اسلامی و ترویج مذهب اسماعیلیه ایفا کردند. با وجود همه این ها سلسله انشعاب های فرقه اسماعیلیه همچنان ادامه داشت. در زمان خلافت منصور بن العزیر بالله (الحاکم بامرالله) شاخه جدیدی به وجود آمد به نام دروزیه. علت پدید آمدن این شاخه این بود که الحاکم ادعای خدایی کرد و اگرچه مردم به شدت با این کار او مخالفت کردند [۸] اما کسانی هم بودند که ادعای او را پذیرفتند. در آخر الحاکم به تحریک خواهرش کشته شد. [۹] اوج قدرت و شکوه فاطمیان دوران فرمانروایی معد بن علی (المستنصر بالله) بود. در دوران این خلیفه، یکی از سرداران خلافت عباسی به نام بساسیری بخاطر اختلافاتی که با وزیر اعظم و خلیفه داشت علم شورش برافراشت و به المستنصر رو آورد. بساسیری بغداد را تصرف کرد و دستور داد به نام المستنصر بالله خطبه بخوانند.

ادامه دارد...

* از آنجا که پیروان مذهب اسماعیلیه معتقدند که قرآن، احادیث و احکام دینی ظاهر و باطنی دارند و باید تاویل شوند تا معنای راستین نهفته در آن ها کشف شود این مذهب را باطنیه هم می نامند.

پی نوشت ها :

- ۱_ توضیح الملل (ترجمه الملل و النحل) ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی، مترجم مصطفی خالقداد هاشمی، انتشارات اقبال، ص ۲۵۹
- ۲_ تاریخ جهانگشای جوینی، عطاملک جوینی، به تصحیح محمد قزوینی، موسسه انتشارات نگاه، ج سوم، ص ۷۰۷
- ۳_ فرق الشیعه، ابومحمد نوبختی، مترجم امیر حسین خنجی، ص ۶۴ _ ۶۵
- ۴_ همان، ص ۶۵
- ۵_ توضیح الملل، شهرستانی، ص ۲۴۰ _ ۲۴۱
- ۶_ فراق الشیعه، نوبختی ۶۷ _ ۶۹
- ۷_ تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، مترجم ابوالقاسم پاینده، جلد ۱۵ ص ۶۶۴۷
- ۸_ تاریخ اندیشه های کلامی، ج دوم، عبدالرحمن بدوی، مترجم حسین صابری، (نسخه الکترونیک، ص ۵۳۱ _ ۵۳۲
- ۹_ تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمن ابن محمد ابن خلدون، ج سوم، مترجم عبدالصمد آیتی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۹۶ _ ۹۷